

دو نکته درباره علامه امینی - محسن صادقی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال دهم، شماره ۳۸ «ویژه علامه امینی»، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۳۷ - ۱۴۳

دو نکته درباره علامه امینی

محسن صادقی*

چکیده: نگارنده در این گفتار، دو نکته نو یافته انتشار داده که در پژوهش‌های مربوط به علامه امینی به کار می‌آید: یادداشت‌هایی از استاد محقق سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی در استدراک شهداء الفضیلة نوشته علامه امینی، و اجازه روایی علامه امینی به دکتر حسین علی محفوظ.

کلید واژه‌ها: شهداء الفضیلة (کتاب) - استدراک / طباطبایی یزدی، سید عبدالعزیز - یادداشت پژوهشی / امینی، عبدالحسین - اجازات روایی / محفوظ، حسین علی - اجازه روایی از علامه امینی.

مقدمه

درباره علامه امینی، از زمان حیات آن فقید تاکنون بسیار گفته‌اند. ولی هنوز ناگفته‌های فراوان باقی مانده است که به پژوهش و نشر نیاز دارد. این ناگفته‌ها در دل کتابخانه‌ها نهفته است و از اسنادی به دست می‌آید که از

*. پژوهشگر، حوزه علمیه قم

دانشوران مرتبط با علامه امینی بر جای مانده است.

در این فرصت، دو نکته نو یافته منتشر می شود:

اول - چند یادداشت کوتاه و مختصر از محقق فقیه علامه سید عبدالعزیز طباطبایی در استدراک کتاب *شهداء الفضیلة* که آن فقیه، در نسخه شخصی خود نوشته است و برای نخستین بار منتشر می شود. البته محقق طباطبایی قصد نوشتن کتابی تفصیلی در این مورد نداشته، وگرنه با گستره پژوهشی او، انتظار نوشتاری دیگر می توانستیم داشت. باید دانست که آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی نیز یادداشت هایی در استدراک این کتاب نوشته که در مجموعه (گنجینه شهاب ج ۱ ص ۱۵۵-۱۸۹) (قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۳ شمسی) منتشر شده است. روشن است که باب استدراک بر این کتاب مرجع ابتکاری همچنان گشوده است و به این یادداشت ها محدود نمی شود. توضیح مهم در مورد کتاب *شهداء الفضیلة* این است که از همان آغاز انتشار، بنای علامه امینی بر مستدرک نویسی آن بوده است.

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در نامه ای خطاب به مرحوم آیت الله مرعشی می نویسد:

"از شهدای علما، از قرن رابع تا اول قرن رابع عشر، هرکسی را شما پیدا کردید، فقط اسم و مورد ترجمه او را معین فرمایید تا مؤلف *شهداء [الفضیلة]* با ممنونیت، تذیل و استدراک کند" (نامه های ناموران، ص ۳۱).

همچنین در نامه ای دیگر به تاریخ ۱۰ شوال ۱۳۵۷ قمری می نویسد:

"از شهدای علمای اثنا عشریه، از قرن رابع الی آخر قرن سیزدهم که قضیه شهادت آنها در یک کتابی دیده شده باشد، مرقوم دارید. اسم آن کتاب و محل وجود آن را، تا فحص شود و اطمینان حاصل شود، نه مجرد آنکه بگویند حاج میرزا حسین خلیلی را در طهران کسی آمد به توسط بعض خواص او را مسموم کرد،



یا آنکه آخوند ملا کاظم [خراسانی] را مشروطه بعث کردند که مسموم شد، و هکذا، یا آنکه در ترجمه کسی نوشته شده باشد فلان شهید، زیرا که چه بسا تصحیف شده، باید "الشهیر" بنویسد، "الشهید" نوشته، و امثال ذلک. غرض آنکه حال که شما زحمت می کشید، قسمی باشد که هدر نرود... و اما حکیم عبدالله تبریزی طبیب، از موضوع علما خارج و در ملک اطباء معروف به طب و شغل و کار او بوده، نمی شود به مجرد علمیت او در صنف شهید اول و ثانی و اضربهم داخل شود. بعد از چند قرن طایفه او تا الیوم، حکیم اف معروفند نه عالم اف، ملا اف " (نامه های ناموران، ص ۳۴).

دوم - اجازه روایی علامه امینی به دکتر حسین علی محفوظ، پژوهشگر معاصر عراقی* که به سال ۱۳۶۶ قمری صادر شده است. علامه شیخ عبدالحسین امینی تبریزی از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد حسین اصفهانی (مشهور به کمپانی)، شیخ محمد حسین کاشف العطاء، میرزا علی آقا شیرازی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی اجازه اجتهاد گرفت و از بسیاری علما اجازه روایت اخذ کرد.^۱ از جمله حضرات آیات: سید ابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۶۵ ق)، میرزا علی آقای شیرازی فرزند میرزای شیرازی (م ۱۳۵۵ ق)، شیخ علی اصغر ملکی تبریزی، حاج آقا حسین قمی (م ۱۳۶۶ ق)، شیخ محمد علی اردوبادی، شیخ علی بن ابراهیم قمی، (الغدیر، چاپ مرکز الغدیر، جلد صفر، ص ۲۰). حاج شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ ق)، دو اجازه از شیخ آقابزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ ق)^۲، میرزا محمد عسکری

*. شرح حال میسوط دکتر حسین علی محفوظ در سفینه شماره ۲۱ آمده است.

۱. امین شریعت، رسالة الحجّة الأُمینی نوشته علامه سید محمد صادق بحر العلوم، ص ۸۸، به نوشته مقدمه الغدیر، چاپ مرکز الغدیر (ج صفر، ص ۱۹) علامه امینی به جز علمای پیش گفته، از مرحوم میرزا علی شیرازی و میرزا حسین نائینی هم اجازه اجتهاد داشته است.

۲. نک: اجازه علامه امینی به دکتر حسین علی محفوظ در ادامه همین مقاله.

تهرانی^۴، میرزا یحیی امام جمعه خوینی (م ۱۳۶۴ ق)^۵.

به نوشته مرحوم سید صادق بحر العلوم متن بسیاری از این اجازات به خط مجیزین در اختیار فرزند علامه امینی [مرحوم] شیخ رضا امینی بوده است^۶. شایان ذکر است که پی گیری نگارنده در مورد تهیه تصویری از این اجازات به جایی نرسیده، امیدواریم روزی این اجازات در دسترس عموم پژوهشگران قرار گیرد. اما در مورد اجازاتی که مرحوم علامه امینی برای دیگران صادر کرده اند، اطلاع چندانی نداریم به جز یک اجازه که ایشان به مرحوم دکتر حسین علی محفوظ داده اند. این اجازه در اجازات العلامة الدكتور حسین علی محفوظ (م ۱۴۳۰ ق) به قلم عبدالکریم الدباغ تکثیر شده است.

نکته اول - استدراک محقق طباطبایی بر شهداء الفضيلة

۱. فخرالدین احمد ابن الخواجه نصیرالدین الطوسی. ترجم له شیخنا العلامة الرازی فی اعلام القرن السابع (ص ۱۲) و ترجم له ابن الفوطی فی تلخیص مجمع الآداب. (ج ۴، ق ۳، ص ۱۰۲، رقم ۱۹۷۶)

۳. برای اطلاع از متن اجازه نک: شیخ آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی اکبر صفری (چاپ اول: قم، مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۰)، ص ۴۱۹.

۴. این اجازه از سوی میرزا محمد عسکری (م ۱۳۷۱ ق) برای علامه محمد علی اردوبادی (م ۱۳۷۹ ق) و ملا علی واعظ خیابانی تبریزی (م ۱۳۶۷ ق) و علامه شیخ عبدالحسین امینی تبریزی (م ۱۳۹۰ ق) صادر شده است. متن این اجازه در مجله کتاب شیعه (دو فصلنامه مؤسسه کتاب شناسی شیعه)، ش ۲، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۳۳ - ۲۴۰ چاپ شده است.

۵. اصل این اجازه در کتابخانه آیه الله مرعشی (نسخه ش ۱۳۳۳/۴) وجود دارد و در مجله سفینه (ش ۱۴)، ص ۱۵۸ - ۱۶۱ بازنویسی شده است.

۶. امین شریعت، رساله الحجة الأمینی نوشته علامه سید محمد صادق بحر العلوم، ص ۸۸.



و قال فى نهاية ترجمته: «قتل فى سيواس من بلاد الروم فى يوم الأحد حادى و عشرين ذى الحجة سنة ٧٠٠ و نقل إلى مراغه فدفن عند أخيه»

٢. تاج الدين محمد بن نصر ابن صلايا، قتله هولاء سنة ٦٥٦. (الوفى بالوفيات، ج ٥، ص ١٢٨)

٣. الفقيه عمارة اليمنى المصلوب سنة ٥٦٩، ترجم له شيخنا رحمه الله فى شعراء الغدير. (ج ٤، ص ٤٠٨)

٤. ابوالفضل ابن الخشاب الحلبى رئيس الشيعة فى حلب، قتل سنة ٥٧٠. (الروضتين، ج ١، ص ٢٣٤؛ اعلام النبلاء، تاريخ حلب، ج ٢، ص ٩٠)

٥. السيد بدرالدين المجتبى بن أميرة بن سيف النبى الجعفرى، ذكره الشيخ منتجب الدين (رقم ٤٥٦).

٦. محمد بن الفضل بن سنان العجلى القزوينى، المترجم فى التدوين.

٧. محمود بن ابراهيم بن محمد الشيرازى نزيل دمشق قتل على الرضى! فى جمادى الآخرة سنة ٧٦٦. (الدرر الكامنة، ج ٥، ص ٨٩، رقم ٤٧٣٩؛ اعلام الشيعة، ق ٨، ص ٢٠٩)

٨. الحسين بن الحسين بن جعفر بن الحسين بن على بن محمد الديباج أبو محمد. ترجم له الرافعى فى التدوين و قال: «شريف نبيل و كان جدّه جعفر أقام بقزوين و أعقب بها، و استشهد الحسن باب قزوين سنة ٣٣٤ قتلته الاكراد».

٩. عرفة الطرابلسى ضربت عنقه فى جمادى الأولى سنة ٧٨٦. قال ابن حجر فى ابناء الغمر (ج ١، ص ٣١١) عند الكلام على قتل الشهيد الأول محمد بن مكّي الرافضى: «وضبت عنق رفيقه عرفه بطرابلس و كان على معتقده».

١٠. أبو محمد ابن سنان الخفاجى الشاعر الحلبى، عبد الله بن محمد بن سعيد، ترجمته و قتله بالسّم فى فوات الوفيات، (ج ٢، ص ٢٢٠، رقم ٢٣٢).

١١. الشيخ على الحيدرى أول من هاجر من الشيعة إلى الديار الهندية رحل إليها فى القرن الثامن و أقام بكنبايت من مدن گجرات، فأسلم على يده خلق كثير من أهل

گجرات و تشیعوا، حکاه فی ثقافة الهند (ص ۲۱۷) عن مجالس المؤمنین، ثم حکى عن ابن بطوطه فی رحلته أنه قال: «بلغ محمد شاه تغلق أنَّ الحیدري دعا للقاضي جلال الدین الذي خالف السلطان بمدينة کنبايه». و ذکر أيضا أنه بايعه فأمر بقتله فقتلوه.

۱۲. ابن الأبار أبو عبدالله محمد بن عبدالله القضاعى البلسي، المقتول صبراً و ظلماً سنة ۶۵۸.

ترجم له الذهبي فی سير اعلام النبلا (ج ۲۳، ص ۳۳۶).

نکته دوم - اجازہ روایی علامہ امینی به دکتر حسین علی محفوظ

بسم الله الرحمن الرحيم

سلامی و احترامی إلى الأخ الفاضل البار، قرة عين الأدب، الشيخ حسين بن الشيخ علي بن الشيخ محمد جواد آل محفوظ، وفقه الله تعالى لمرضاته. و بعد - فكان من واجبي أن يصل إليكم قبل ربح من الزمن، قبل أن يثنى أو يثلث كتابكم، غير أن اشتغالي بالأهم الذي يهمني و يهتمكم، عاقني عن الجواب، لا تحقيراً بكم و بمقامكم و لا لسوء ظن عليك. و لم أجد نفسي مع ذلك وفق ما في حسن ظنك بي (والإنسان على نفسه بصيرة)، حتى ألبي طلبتكم (إجازة الرواية). فإنني بعد حثكم في الطلب، و تأكيد أحننا الصالح، الشيخ محمد رضا الخالصى في الأمر، أستخير الله تعالى، و أوصيكم بالورع و التقوى و الإحتياط التام في الرواية، و التجنب عمّا يشينها، و يزرى بها. و أجيّزكم بالرواية عني، عن مشايخي الأعلام، بطرقهم المتكثرة المتصلة بالإمام المعصوم (سلام الله عليه)، و هم جمع لا يستهان بعدّتهم، و في مقدمتهم؛ آية الله، الورع التقى الحجة، السيّد الحاج آغا حسين القمي



(طیب الله رمسه). عن العلم الحجة، السيد المرتضى الكشميري، المتوفى سنة ١٣٢٣ هـ عن السيد مهدي القزويني، المتوفى سنة ١٣٠٠ هـ عن عمه السيد محمد باقر بن السيد أحمد القزويني، المتوفى سنة ١٢٤٦ هـ عن خاله السيد محمد مهدي بحر العلوم، المتوفى سنة ١٢١٢ هـ بطرقه المبسوطه في كتب الأصحاب.

حيلولة: و الشيخ العلم الورع الحجة الحاج الشيخ عباس القمي، صاحب التأليف القيمة. عن العيلم العلامة، شيخ الحديث و الدراية و الرواية، الحاج ميرزا حسين النوري، عن الشيخ الأوحّد، الشيخ مرتضى الانصاري، عن الشيخ الأكبر، الشيخ جعفر كاشف الغطاء، عن الاستاد الأكبر البهبهاني، عن والده المقدّس، المولى محمد أكمل البهبهاني. عن الشيخ الفذ جمال الدين الخوانساري، عن شيخ المحدثين، شيخنا الشيخ محمد تقى المجلسي (قدس الله أرواحهم)، بطرقه المعلومة. و أوصيكم آخرّاً بما وصيتكم أولاً، والله ولي التوفيق. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

الأحقّر عبد الحسين الأميني

٤ ذيقعدة الحرام سنة ١٣٦٦ هـ